

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

- ملت‌سازی و دگرگونی هویتی زنان در دوران شوروی (۱۹۱۷-۱۹۹۱) و پسا شوروی (۱۹۹۱-۲۰۲۲): مطالعه موردی قزاقستان
طیبه قلیپوری / الهه کولایی ۳
- همکاری روسیه با جریان راست تندروی اروپا از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۴: مطالعه موردی آلمان، ایتالیا و فرانسه
مهدی نوری چورتی / مهدی سنایی ۳۳
- جنگ اتصال: نقش بنادر کوچک در کریدورهای بین‌المللی با تکیه بر توسعه بنادر آکتائو و کوریک
حبیب‌الله ملکوتی فر ۶۱
- معمای امنیت روسیه در نوردیک-بالتیک
رضارحمتی ۹۵
- اهداف کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قفقاز جنوبی در افق ۲۰۳۵
اسماعیل بابایی / مجید عباسی ۱۱۷
- افغانستان و خط لوله تاپی: بررسی دینامیسم ژئوپلیتیک
شکیلا حسینی / مهدی هدایتی شهیدانی ۱۴۵
- مسئله‌شناسی قوم تالش جمهوری آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی
کوثر طالشی / دارا جلیل ۱۷۱
- بررسی رویکرد ترکیه در مناقشه قره‌باغ
محمد رضا شالباف / اردشیر سنایی ۱۹۱
- رویکرد آبی طالبان: تأثیر پروژه قوش‌تپه بر تعارض و همکاری منطقه‌ای
جواد خادم‌زاده ۲۱۹
- خرد و دانش در نصیحت‌نامه آبی: از بستر هویت قزاق‌ها تا فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی
فهمیه شکیبا ۲۴۳

خرد و دانش در نصیحت‌نامه آباي:

از بستر هویت قزاق‌ها تا فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی

فهیمة شکیبا^۱

چکیده

آباي قونانباي اغلو (۱۸۴۵-۱۹۰۴) متفکر و شاعر برجسته قزاق در قرن نوزدهم میلادی است. اثر برجسته او با نام *نصیحت‌نامه* نوشته‌ای حکمت‌آمیز است که در بستری از بحران‌های هویتی، فرهنگی و استعماری قزاقستان پدید آمد. او در این کتاب در چهل و پنج گفتار اندیشه‌های ژرف انسانی و اخلاقی را بیان می‌کند. نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده و رویکرد هرمنوتیک فلسفی سعی دارد نشان دهد اندیشه‌های آباي درباره خرد و دانش، در *نصیحت‌نامه*، با هویت قزاق‌ها و فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم پیوند دارد. از این رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آباي چگونه در *نصیحت‌نامه* خود با بازتعریف مفاهیم خرد و دانش به بحران هویتی قزاق‌ها و فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم واکنش نشان داده و نوعی سوژگی اخلاقی-فرهنگی را صورت‌بندی کرده است. بر این اساس، آباي نه تنها شاعر و مصلح اجتماعی، بلکه فیلسوفی اخلاق‌محور بوده است که در صدد بنیان‌نهادن ویژگی‌های انسانی آگاه در دل بحران هویتی آسیای مرکزی بود.

واژگان کلیدی:

هویت فرهنگی، آباي قونانباي اغلو، *نصیحت‌نامه*، خرد، دانش.

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

^۱ استادیار، دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان، کرمان. جمهوری اسلامی ایران. f.shakiba@vru.ac.ir

مقدمه

آسیای مرکزی، در طول تاریخ به‌عنوان پلی بین تمدن‌های گوناگون، شاهد شکل‌گیری سنت‌های فکری و فلسفی منحصربه‌فردی بوده است که در آن مفاهیم خرد و دانش جایگاه محوری یافته‌اند. این منطقه از دوران اسلامی تا قرن نوزدهم میلادی دستخوش تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته بود و در قرن نوزدهم با ورود نفوذ روسیه و تغییرات ساختاری در نظام‌های سنتی، بحران هویت و نیاز به بازتعریف مفاهیم فکری را تجربه کرد.

در قرن نوزدهم، ترکیب قومی و ساختار اجتماعی-سیاسی جامعه آسیای مرکزی بسیار پیچیده بود. اقوام قزاق، قرقیز، تاجیک، ترکمن و ازبک در قلمروهای سیاسی مختلفی زندگی می‌کردند. این مردمان از دیرباز در تماس نزدیک با یکدیگر بودند و تأثیرات متقابل آن‌ها باعث شکل‌گیری ویژگی‌های مشترک فراوانی در فرهنگ مادی و معنوی و سبک زندگی‌شان شد. اسلام که قرن‌ها دین غالب منطقه بود، نقش مهمی در این فرایند ایفا کرد.

در حالی که باید بر تاریخ مشترک مردمان این منطقه تأکید کرد، نباید تفاوت‌های میان آن‌ها را نادیده گرفت، به‌ویژه تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی‌شان. برخی از اقوام (مانند تاجیک‌ها و تا حد زیادی ازبک‌ها) زندگی یک‌جانشینی داشتند، برخی دیگر در حال گذار به زندگی یک‌جانشینی بودند، و گروهی نیز همچنان کوچ‌نشین باقی مانده بودند و تنها در دوره شوروی به تدریج به زندگی یک‌جانشینی روی آوردند (نک. بارتولد ۱۳۷۶: ۱۵).

چرای دام در تمام طول سال، ویژگی اصلی اقتصاد کوچ‌نشین بود. در آسیای مرکزی، اقوام قزاق، قرقیز و ترکمن به‌طور سنتی کوچ‌نشین یا نیمه کوچ‌نشین بودند. در حالی که در نظام اصطبل‌داری، علوفه به محل نگهداری دام‌ها آورده می‌شد، در نظام کوچ‌نشین، دام‌ها به محل وجود علوفه برده می‌شدند. این امر ناشی از کم‌باروری و پراکندگی پوشش گیاهی، عدم امکان تهیه یونجه و ذخیره‌سازی علوفه و آب بود که مانع از تمرکز قابل‌توجه دام در یک منطقه می‌شد. همچنین، ماهیت فصلی مراتع ایجاب می‌کرد که دام‌ها به‌طور دوره‌ای برای یافتن علوفه جابه‌جا شوند (Chahryae 2003: 374).

زندگی‌نامه‌های موجود نشان می‌دهند که نویسندگان بومی ابتدا در مدارس دینی (مدارس علمیه) شهرهای سمرقند، خوقند و خیوه آموزش دیده بودند؛ در مقابل، روشنفکران مناطق استپی (چمنزارهای وسیع) مسیر متفاوتی داشتند (Braginsky 1977: 168). از اواخر قرن نوزدهم مطبوعاتی زنده و متنوع خارج از قلمروی دستگاه‌های حکومتی پدیدار شد. حکومت استعماری از سال ۱۸۷۰ مواد چاپی محدودی را به آسیای مرکزی وارد کرده

بود؛ بولتن دولتی منتشر شده در تاشکند به صورت متناوب به زبان‌های قزاقی و جغتایی منتشر می‌شد. بولتن دولتی دیگری به زبان‌های فارسی و ترکمنی نیز بین سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۷ در منطقه عشق‌آباد چاپ می‌شد (Challyjeva 2008: 51).

فعالیت‌های ادبی و فرهنگی در سراسر آسیای مرکزی، اگرچه با دیدگاه رایج در غرب مبنی بر رکود کامل فرهنگی در تضاد است، اما در مقایسه با شور و نوآوری نویسندگان، شاعران و اندیشمندان تاتار در محافل قازان و اوفال^۱ و روشنفکران آذربایجانی در باکو، کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کند (Holdworth 1959: 34). جنب‌وجوش فرهنگی در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در آن مناطق بسیار چشمگیرتر بود. جنبش جدیدیه، زمانی که به آسیای مرکزی رسید، هم از نظر فرهنگی و هم از نظر سیاسی، رشدی کم‌رتمق و ضعیف داشت. قدرت جنبش در قازان و آذربایجان ممکن است ناشی از نزدیکی جغرافیایی به ترکیه بوده باشد، یا برعکس، از تأثیرات تماس نزدیک‌تر با زندگی فکری روسی، یا با محافل روشنفکری گرجی و ارمنی، یا از ملی‌گرایی‌ای که در واکنش به ملی‌گرایی روسی و برنامه‌های گاه‌به‌گاه روسی‌سازی تقویت شده بود؛ یا شاید هم از تلاقی همه این عوامل. با این حال، این عناصر در قرن نوزدهم در آسیای مرکزی بسیار دور از دسترس و کم‌اثر بودند؛ به همین دلیل، رنسانس فرهنگی در این منطقه یا به صورت تقلیدی ظاهر شد یا تا نیم قرن بعد به شکوفایی کامل نرسید (Challyjeva 2008: 49).

زمانی که سیاست‌های استعماری روسیه قصد داشت ملت‌ها را از ریشه‌های فرهنگی، زبانی و دینی‌شان جدا کند و در عصری که ظلم و تجاوز روسیه تزاری افزایش یافته بود و روس‌ها تسلط یافته بودند، شاعران، روشنفکران و فیلسوفان برای فراخواندن مردم به ایستادگی، در برابر این بی‌رحمی، دست به نگارش زدند. آبی (ابراهیم) قونانبای‌اغلو^۲ در دل این بحران هویتی به دنیا آمد (Ayan 2021: 39). نام واقعی او احتمالاً «یبرای»^۳ بوده، نه «ابراهیم»، زیرا تلفظ قزاقی نام «ابراهیم» را غیرممکن می‌سازد (Batayeva: 2020). در چنین فضایی، او نه تنها به‌عنوان شاعر، بلکه به‌مثابه یک فیلسوف و پیام‌آور فرهنگی ظاهر شد.

¹. Kazan, Ufa

². Abai (Ibrahim) Kunanbaiuly

³. Ybyrai

آبای در ۱۰ اوت ۱۸۴۵ در منطقه‌ای به نام سیرت^۱ قسکابولاق^۲ در ناحیه شینگستاو^۳ منطقه سمی^۴ متولد شد. قونابای^۵، پدر آبای، در آن زمان ریاست ناحیه کیشیک-توبیقتی^۶ را بر عهده داشت (Jurtbay, 2021: 13). آبای تحت تربیت و تأثیر پدرش بزرگ شد (Auezov 1997: 119). او تصویر پدرش را با این جمله ترسیم کرده است: «هرگز در میان قزاق‌ها کسی با منش او زاده نشد. او میراثی جاودان بر جای گذاشت، نه با اندوختن ثروت» (Abai, 1961: 229).

آبای از اوان جوانی در جریان زدوخوردها و مناقشات قبیله‌ای قرار گرفت. او روزگار سیاه مردم خویش و پایین‌بودن دانش فرهنگ قومش را در گوشه‌ای از کشور روسیه تزاری لمس کرد و در غم آن بود که چگونه مردم را از بدبختی‌ها رهایی بخشد. او دریافته بود که اگر مردمش باسواد نباشند به حرف او گوش نمی‌دهند. بنابراین، فرهنگ شفاهی مردم، تاریخ و فرهنگ آنان را کامل فراگرفت و در جوانی به‌عنوان ناطق و سخن‌شناس شهرت یافت (قونابایف ۱۳۹۸: ۷).

هدف مشترک تقریباً تمام نویسندگان و شاعرانی که از یک سو در مدارس دینی (مدرسه‌ها) (که به دو دسته «قدیم» و «جدیدیه» تقسیم می‌شدند) و از سوی دیگر در مدارس جدید (که در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم به تحصیل زبان روسی و علوم مدرن می‌پرداختند) بیدار کردن مردم و نجات آن‌ها از جهل بود (Söylemez 2002: 126). آبای نیز جزء اولین شاعران واقع‌گرای قزاق در آرزوی بیداری مردم بود. او طی سال‌های ۱۸۸۲ و ۱۸۸۶ غیر از سرودن اشعار زیاد، کتب نویسندگان بزرگ روس را به زبان قزاقی ترجمه کرد. آثار او به‌زودی میان توده‌های مردم منتشر شد و محبوبیت پیدا کرد. او در واپسین سال‌های عمرش، مشاور خردمند مردم شده بود؛ با درد، نقص‌های جامعه را آشکار می‌کرد و راه نجات را به آن‌ها نشان می‌داد. در نهایت، در ۲۳ ژوئن ۱۹۰۴ جهان فانی را بدرود گفت (قونابایف ۱۳۹۸: ۱۰-۱۲).

از آنجا که آبای تحت تأثیر سنت‌های گوناگون فکری بود و با ادبیات فارسی-ایرانی نیز آشنایی داشت، اشعار شاعران بزرگ ایرانی را می‌خواند. در واقع، او بسیاری از مضامین و سبک‌های عروضی ادبیات فارسی را در شعر قزاقی وارد کرد و واژگان فارسی زیادی را به زبان قزاقی افزود. از این منظر، پلی بود میان فرهنگ‌های فارسی‌زبان آسیای مرکزی

1. Syrt

2. Syrt Kaskabulak

3. Shyngystau volost

4. Semei

5. Kunanbai

6. Kishik-Tobyqty

(تاجیک‌ها) و فرهنگ ترک‌زبان، چرا که میراث ادبی و اخلاقی مشترکی از این شاعران را با خود داشت (Kamaladdini 2015: 147-151). به‌علاوه، او با آثار نویسندگان اروپایی و روسی نیز آشنا بود و تأکید می‌کرد که برای پیشرفت باید از خردورزی و علم روز بهره گرفت. او در جهان شرق و غرب به دنبال دانشی بر پایه خرد و عقلانیت بود و از متون تاریخی عربی، ایرانی و ترکی آموخت که حکومت خردمند و عادل برای پیشرفت ملت‌ها ضروری است، و از تاریخ‌نگاران اروپایی دریافت که پیشرفت تکنولوژی، نظم اجتماعی و دستاوردهای روشنگری قدرت ملل را می‌سازد، درحالی‌که نظام‌های امپریالیستی سعی می‌کنند مردم را در تاریکی نگاه دارند (Isin 2021: 98). این نگرش جهانی آبای با گفتمان روشنفکران مدرن آسیای مرکزی شباهت داشت که مدافع آموزش و عقلانیت اسلامی بودند و گسترش علم و نقد خرافه را عامل نجات جوامع می‌دانستند.

به طور خلاصه، آموزه‌های آبای — درباره اخلاق فردی، دانش‌جویی و عقلانیت در دین و اجتماع — با نیازهای مشترک همه ملت‌های آسیای مرکزی پیوند دارد. تجربه‌های مشترک استعماری و ضرورت هویت‌بخشی فرهنگی، دیدگاه او را نه فقط برای قزاق‌ها بلکه برای مردم قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و حتی تاجیکستان نیز جذاب می‌کند مفاهیم او در باب خرد و دانش نه تنها در هویت‌یابی قزاق‌ها، بلکه به‌صورت فراگیر در بازسازی هویت فرهنگی آسیای مرکزی مؤثر بوده است (Daurenbekova 2020: 1850).

از آبای نوشته‌های زیادی باقی‌مانده و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. توجه ما در اینجا به نصیحت‌نامه^۱ او است که در آن دیدگاه‌های هنری، انسان‌دوستانه اجتماعی و دینی به‌طور عمیق بیان شده است. نصیحت‌نامه آبای اثری است به نثر کلاسیک که در آن قدرت سخن‌وری و جهان‌بینی خردمندانه فلسفی شاعر به‌طور منحصربه‌فردی نشان داده شده است. آبای در این اثر نه تنها برای بیدارسازی اخلاقی و فرهنگی مردم قزاق در بستر استعمار روسیه تلاش می‌کند، بلکه در سطحی ژرف‌تر، با بازنمایی یک نظام دلالتی پیچیده، مفاهیم بنیادین متعددی را معناشناسی می‌کند. از این‌رو، اثر او الهام‌بخش جنبش‌های ملی‌گرایی قزاق در اوایل قرن بیستم و همچنین شکل‌گیری یک سنت ادبی مکتوب ملی شد (Caffee 2018: 1-2). در این اثر که در مجموع چهل و پنج گفتار دارد و بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۸ نوشته شده است، از نظر موضوعی در یک راستا نیست و مطالب متنوعی را دربر دارد. چند گفتار آن کوتاه و باقی گسترده‌تر هستند. در اینجا نگارنده صرفاً بر گفتارهایی تأکید دارد که در

^۱. кара сөздері, Abai's Words of Edification

آن‌ها مشخصاً مفاهیم خرد و دانش به کار رفته است. به‌علاوه، برای یافتن ارتباط بین مضامین اصلی مرتبط با دانش و خرد با هویت فرهنگی قزاق‌ها و فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی، از رویکرد هرمنوتیکی استفاده شده است تا تحلیل شود کاربرد این مفاهیم چگونه ممکن است پاسخی به بحران هویتی منطقه در عصر استعمار روسیه بوده باشد.

پیشینه پژوهش. در قرن نوزدهم میلادی که یکی از برهه‌های حساس تاریخ در آسیای مرکزی محسوب می‌شود، شخصیت‌هایی چون آبی قونانبای اغلو با ارائه تعلیمات حکیمانه خود تلاش کردند تا میراث فکری منطقه را با ضرورت‌های نوین زمانه تطبیق دهند. بنابراین، سنت نصیحت‌نامه‌نگاری در فرهنگ ترکی-اسلامی آسیای مرکزی که ریشه در آموزه‌های اخلاقی و حکمی داشت، در دست متفکرانی مانند آبی به ابزاری برای انتقال مفاهیم عمیق خرد و دانایی به نسل‌های آتی تبدیل شد. اگرچه مطالعات تخصصی در حوزه آبی‌شناسی از غنای قابل توجهی برخوردارند، اما عمدتاً بر جنبه‌های بیوگرافیک و ادبی شخصیت آبی متمرکز بوده‌اند (نک. Silchenko 1957 و Jurtbay 2021) و کمتر به تحلیل نظام‌مند مفاهیم فلسفی او پرداخته‌اند.

پژوهش‌هایی مانند مطالعه ماشانوف^۱ (۱۹۹۴) درباره ارتباط اندیشه آبی با الفارابی یا تحلیل قدیرعلی^۲ (۲۰۲۰) از تطبیق جهان‌بینی آبی و مرجانی، اگرچه گام‌های مهمی در این راستا محسوب می‌شوند، اما همچنان شکاف‌های چشمگیری در فهم عمیق الگوهای کارکردی و معنایی مفاهیم به‌کار رفته در متون آبی دیده می‌شود. همچنین به‌رغم اهمیت تاریخی-اجتماعی قرن نوزدهم آسیای مرکزی در آثار پژوهشگرانی مانند سارلی (۱۳۶۴)، کوژامبکوف^۳ (۲۰۲۰) و سولطان‌گالیوا^۴ (۲۰۰۱)، به پیوند مستقیم و سیستماتیک بین دگرگونی‌های این دوره و شکل‌گیری اندیشه‌های آبی کمتر توجه شده است. در نتیجه، ضرورت این پژوهش احساس می‌شود که با رویکرد تحلیلی، الگوهای کارکردی و معنایی خرد و دانش در نصیحت‌نامه آبی بررسی شود و هم‌راستایی این الگوها با ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی تبیین شود.

چارچوب نظری. چارچوب نظری این پژوهش در دو سطح اصلی سامان یافته است: ۱. سطح روش‌شناختی: روش به کار رفته در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده است که بنابر آن داده‌ها کدگذاری شده، سپس مفاهیم و مقوله‌های جدیدی که از متن

1. Mašanov

2. Qıdıräli

3. Kozhambekov

4. Sultangalyeva

برمی‌آیند، به آن افزوده شده است. از این‌رو، پس از استخراج گفتارهای مرتبط، هر گفتار به‌عنوان «واحد تحلیل» در نظر گرفته شده است. در مرحله اول، کدگذاری اولیه بر اساس مقوله‌های برگرفته از چارچوب نظری انجام شده، در مرحله دوم، مفاهیم نوظهور که در چارچوب اولیه وجود نداشته، شناسایی و به مجموعه کدها افزوده شده‌اند. در نهایت، داده‌ها در قالب جدول مفهومی سازمان‌دهی شده‌اند تا الگوی کلی اندیشه آبی درباره خرد و دانش تحلیل شود؛ ۲. سطح نظری-مفهومی: بنیاد نظری این پژوهش بر هرمنوتیک فلسفی استوار است. از منظر هرمنوتیک، فهم متن صرفاً امری زبانی یا درون‌متنی نیست، بلکه در افق تاریخی و فرهنگی شکل می‌گیرد. گادامر بر تاریخی‌بودن فهم و هم‌افقی سنت و مفسر تأکید دارد (گادامر ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶) و ریکور بر چندلایگی متن و تفسیر آن به‌عنوان فرایند معناآفرینی (ریکور ۱۹۷۶ و ۱۹۹۱)^۱. بر اساس این چارچوب، نصیحت‌نامه آبی نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از اندرزهای فردی، بلکه به مثابه متنی فرهنگی-اجتماعی تحلیل می‌شود که مفاهیم خرد و دانش را در نسبت با تاریخ، سنت و تجربه استعماری بازتولید کرده است. بدین‌سان، روش تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده در سطح عملی و رویکرد هرمنوتیک در سطح نظری، مبنای اصلی پژوهش را شکل می‌دهند.

۱. فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم

قرن نوزدهم برای آسیای مرکزی نه تنها دورانی از تحولات سیاسی و نظامی بود، بلکه مرحله‌ای تعیین‌کننده در بازتعریف هویت جمعی مردمان این سرزمین نیز به شمار می‌آمد. نبود ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی، در کنار ترکیب جمعیتی متنوع، خان‌نشین‌های منطقه را در رقابت‌های مداوم قرار داد و این تفرقه، انسجام هویت مشترک منطقه‌ای را تضعیف کرد (پیرمادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۲۶-۱۷۴۸).

با وجود این، بستر فرهنگی آسیای مرکزی ریشه در شکوفایی تمدنی قرون نخستین اسلامی داشت که در قرن نوزدهم، به‌رغم افول‌های تاریخی، دوباره جان گرفت. مذهب، ادبیات، زبان و آداب و رسوم در این دوره دستخوش دگرگونی شدند و نقشی مهم در شکل‌دهی فضای فکری تازه ایفا کردند. ادبیات همچنان حامل حافظه تاریخی و فرهنگی مردم ماوراءالنهر بود و در کنار آن، موسیقی نیز رونقی دوباره یافت و بازتابی از پویایی فرهنگی منطقه شد (شکوری‌ها، ۱۳۸۶: ۴۷).

^۱. Gadamer, Ricoeur

از دیگر عوامل بنیادین در بازتولید فرهنگ و اندیشه، زبان بود. زبان مردم اصیل ترکستان نه تنها وسیله ارتباطی، بلکه رکن اصلی هویت بخشی آنان به شمار می رفت و در قرن نوزدهم سرزندگی خود را حفظ کرد. این پویایی زبانی، همراه با تسامح و همزیستی اقوام گوناگون، زمینه را برای شکل گیری فضای فکری متکثر فراهم ساخت.

باین حال، این فضای فکری در مواجهه با گفتمان استعماری رنگ دیگری به خود گرفت. نویسندگان روس، پیشروی ارتش تزاری را خدمتی بزرگ به تمدن بشریت می خواندند و آن را ابزاری برای گسترش تجارت و امنیت معرفی می کردند. آنان استدلال می کردند که روسیه باید «بیرق تمدن و انسانیت» را در آسیای مرکزی برافرازد و مردم این سرزمین را از شر صحرانشینان بی رحم برهاند (سارلی، ۱۳۶۴: ۱۶۶). این نگاه نشان می دهد که بازتعریف فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم تنها برآمده از سنت های بومی نبود، بلکه در تقابل با گفتمان استعماری نیز شکل گرفت.

دولت های محلی در برابر این شرایط، کوشیدند با تقویت پایه های فرهنگی و هویتی خود به بازسازی فضای فکری منطقه بپردازند. در خیوه، اقدامات سید محمد رحیم خان همچون تأسیس کتابخانه بزرگ و گسترش کشاورزی و راه ها، گامی در جهت ارتقای فرهنگ و هویت به شمار می رفت (بارتولد، ۱۳۷۶: ۳۱). در بخارا، پیوندهای ریشه دار با سنت های ماوراءالنهر، این منطقه را به یکی از مراکز اصلی هویت فرهنگی بدل کرد. سلسله منغیت ها^۱ نزدیک به دو قرن در انتقال فرهنگی و پاسداری از این هویت نقش داشتند، هرچند سرنوشت آنان نیز در نهایت به نفوذ روسیه گره خورد (پیرمادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۲۶-۱۷۴۸).

یکی از عناصر مهم فضای فکری این دوره، رونق اندیشه های صوفیانه بود. طریقت های صوفیانه که پیشینه ای طولانی داشتند، در قرن نوزدهم به اوج رسیدند و به عاملی هویت ساز میان اقوام گوناگون بدل شدند. این جریان علاوه بر افزایش نفوذ امیران، پیوندی معنوی میان مردم ایجاد کرد و به انسجام فرهنگی منطقه یاری رساند (شمسا، ۱۳۸۸: ۹۹). در خوقند، هرچند رقابت های قومی میان ازبکان و سارت ها سبب درگیری های مداوم شد، اما موفقیت های نظامی و گسترش قلمرو به ویژه در فرغانه و سیردریا، هویت سیاسی منطقه ای این خان نشین را تقویت کرد (بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۷). با وجود این تلاش ها، نفوذ قدرت های خارجی همچون روسیه و انگلستان هویت سیاسی خان نشین ها را با چالش جدی روبه رو ساخت. اتحاد های مقطعی میان بخارا و خوقند در برابر امپریالیسم روسیه (سارلی، ۱۳۶۴:

^۱. Manghit

(۲۴)، هرچند گاه موفقیت‌هایی به همراه داشت، اما ضعف ساختاری و نبود انسجام، استقلال سیاسی آن‌ها را سست کرد.

از نیمه قرن نوزدهم به بعد، تسلط تدریجی روسیه و رقابت انگلستان در قالب «بازی بزرگ»، هویت سیاسی و فکری آسیای مرکزی را دگرگون ساخت و مردمان این سرزمین را در چارچوبی استعماری قرار داد (سارلی، ۱۳۶۴: ۱۵۷). بدین ترتیب، فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میان دو قطب متعارض شکل گرفت: از یک سو استمرار سنت‌های فرهنگی، تصوف و میراث تمدنی که پیوند و همبستگی می‌آفرید، و از سوی دیگر فشار قدرت‌های خارجی و رقابت‌های داخلی که هویت سیاسی و فکری منطقه را متزلزل می‌ساخت.

هویت فرهنگی قزاق‌ها در آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی. در قرن نوزدهم میلادی، قزاق‌ها، به‌عنوان یکی از گروه‌های اصلی در این منطقه، هویتی دوگانه یافتند که از یک سو ریشه در سنت کوچ‌نشینی و میراث اسلامی داشت و از سوی دیگر در معرض فشار مدرنیزاسیون و سیاست‌های استعماری امپراتوری روسیه قرار گرفت. بررسی این فرایند نشان می‌دهد که هویت قزاق‌ها در قرن نوزدهم، در نقطه تلاقی سنت، دین و سیاست‌های استعماری شکل گرفته است. زندگی اجتماعی قزاق‌ها در قرن نوزدهم با الگوی کوچ‌نشینی تعریف می‌شد (Chahryae 2003: 374).

در این سبک زندگی، دآمداری اساس معیشت بود و ویژگی‌های طبیعی استپ‌های آسیای مرکزی، قزاق‌ها را ناگزیر به زندگی سیار می‌کرد. کوچ‌نشینی همچنین موجب شکل‌گیری ادبیات و فرهنگ شفاهی خاصی شد. حماسه‌های قومی، که توسط نقالان اجرا می‌شد، حافظه تاریخی قزاق‌ها را زنده نگاه می‌داشت. ژامبول،^۱ نقال نامدار قزاق که در ۱۸۴۶ زاده شد، نمونه‌ای از تداوم این سنت است. این میراث فرهنگی نه تنها کارکرد سرگرمی داشت، بلکه ابزاری برای انتقال ارزش‌ها، هویت جمعی و خاطره تاریخی به نسل‌های بعد محسوب می‌شد. هم‌زمان، روشنفکرانی چون چوکان والی‌خانف^۲ (۱۸۳۵-۱۸۶۵) و آبی قونانبای‌اغلو (۱۸۴۵-۱۹۰۴) تلاش کردند سنت‌های بومی را با ضرورت‌های دنیای مدرن پیوند زنند. والی‌خانف، با تحصیل در کالج نظامی اُمسک^۳ و آشنایی با دانش اروپایی، بر اهمیت آموزش و دانش جدید برای جامعه قزاق تأکید می‌کرد (Chahryae 2005: 187). این جریان، نخستین گام‌ها به سوی شکل‌گیری هویتی نوین در میان قزاق‌ها بود.

^۱. Dzhambul

^۲. Chokan Valikhanov

^۳. Omsk

نفوذ روسیه در آسیای مرکزی از قرن هجدهم آغاز شده بود، اما در نیمه دوم قرن نوزدهم شتاب بیشتری گرفت. با استفاده از ابزارهایی چون آموزش، مطبوعات و تبلیغات الحادی، درصدد تغییر هویت دینی و فرهنگی مردم منطقه برآمدند. به‌ویژه اسلام که قرن‌ها دین غالب و عنصر هویت‌بخش مردمان آسیای مرکزی بود، هدف سیاست‌های روسی‌سازی و محدودسازی قرار گرفت (گلی‌زواره، ۱۴۰۴). با این حال، در میان قزاق‌ها نفوذ دین نسبت به جوامع یکجانشین مانند تاجیک‌ها و ازبک‌ها سطحی‌تر بود (Chahryae 2005: 45). این امر از یک سو امکان بیشتری برای نفوذ روسیه فراهم آورد، و از سوی دیگر، به قزاق‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری در مواجهه با تحولات فرهنگی بخشید.

آموزش یکی از عرصه‌های مهم تلاقی سنت و مدرنیته در قزاقستان قرن نوزدهم بود. دو نوع آموزش هم‌زمان در جریان بود: آموزش دینی در مدارس اسلامی، و آموزش سکولار در مدارس روسی-قزاقی. مدارس اسلامی همچنان بر آموزه‌های دینی، زبان عربی و حمایت مالی والدین متکی بودند. اما مدارس روسی-قزاقی که توسط دولت تزاری ایجاد شدند، هدفی سیاسی داشتند: تربیت کارگزاران بومی برای امپراتوری و تسریع یکپارچگی فرهنگی قزاق‌ها با روسیه (Kozhambekov 2020: 585).

این دوگانگی آموزشی به تضاد درونی هویت قزاق‌ها دامن زد. از یک سو، پایبندی به سنت‌های اسلامی و فرهنگ بومی، و از سوی دیگر، پذیرش آموزه‌های مدرن روسی. در این میان، روشنفکرانی چون ابراهیم آلتینسارین^۱ (۱۸۴۱-۱۸۸۹) نقش واسطه‌ای ایفا کردند و با تأکید بر آموزش به زبان مادری، زمینه‌ساز شکل‌گیری جنبش‌های ملی‌گرایانه شدند (Chahryae 2005: 187). در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، این تلاش‌ها به پیدایش ایده‌آحیای ملی در میان جوامع ترک‌زبان منطقه انجامید. پیوند میان آموزش مدرن، زبان مادری و برابری اجتماعی، بنیان‌های نخستین هویت مدرن قزاق را ایجاد کرد (Sultangalyeva 2001: 36).

حیات فرهنگی قزاق‌ها در این دوره در مقایسه با تاتارها در قازان یا آذربایجانی‌ها در باکو کم‌رنگ‌تر بود (Holdworth 1959: 34). با این حال، تلاش‌های روشنفکران قزاق، زمینه را برای رنسانس فرهنگی در قرن بیستم فراهم کرد.

^۱. Ibray Altynsarin

۲. زندگی، آموزش و اندیشه‌های آبی قونان‌بای اغلو

منابع اطلاعات ارزشمندی را درباره چشم‌انداز فکری و فرهنگی آسیای مرکزی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به‌ویژه درباره شخصیت آبی قونان‌بای ارائه می‌دهند و بر سهم چشمگیر او در ادبیات قزاق و مواجهه‌اش با سنت‌های فکری گوناگون تأکید دارد. او از یک سو به‌عنوان بنیان‌گذار ادبیات مدرن قزاق (متمایز از سنت شفاهی آن) شناخته می‌شود و از سوی دیگر روشنگری است که آثار کلاسیک روسی را به زبان قزاقی ترجمه کرد و پلی حیاتی میان دو فرهنگ ایجاد نمود. بخش عمده‌ای از شهرت آبی مدیون نویسنده، منتقد و پژوهشگر قرن بیستم، مختار عیوض‌اف (۱۸۹۷-۱۹۶۱) است که با نوشتن زندگی‌نامه او اطلاعات زیادی در اختیارمان گذاشته است (Caffee, 2018 B: 12-19). تربیت و تحصیلات او ترکیبی از آموزش سنتی آسیای مرکزی و مواجهه با تأثیرات بیرونی را منعکس می‌کند که در شکل‌دادن رویکرد او به دانش و توسعه جامعه بی‌تأثیر نبوده است.

جنبه مهمی از نوآوری آبی، تعامل عمیق او با سنت‌های ادبی روسی و شرقی بود. این پل ارتباطی به او اجازه داد تا جریان‌های ادبی و فکری جهان را به قزاق‌ها معرفی کند و شعر شفاهی قزاق را توسعه و تنوع بخشد؛ بنابراین او فقط مقلد ایده‌های خارجی نبود، بلکه یک فرایند فعال از تطبیق، غنی‌سازی و رسمی‌سازی اشکال هنری و فکری بومی را برای قزاق‌ها به وجود آورد و با ترجمه و خلق آثار اصلی، تحت تأثیر سنت‌های ادبی گوناگون، راه‌های جدیدی را برای بیان و اندیشه در فرهنگ قزاق گشود (Chahryar 2005: 24).

یکی از ویژگی‌های برجسته آبی، توانایی او در تلفیق منابع فکری گوناگون بود. او با مطالعه آثار نویسندگان گوناگون، مفاهیم فلسفی و اخلاقی غربی را با آموزه‌های اسلامی ترکیب می‌کرد (Challyjeva 2008: 48). آموزش سنتی را نقد می‌کرد، اما در عین حال از ارزش‌های اخلاقی اسلام دفاع می‌نمود و آن‌ها را پایه‌ای برای اصلاح جامعه می‌دانست (Schamiloglu 2021: 59-73). در اصل، او مخالف رکود فکری و مقاومت در برابر نوسازی بود. پیگیری آبی برای آموزش سکولار و تعاملش با سنت‌های ادبی گوناگون به طور ضمنی یک جهان‌بینی صرفاً سنتی و منزوی را به چالش کشید. اما در عین حال به آموزش بنیادی اخلاقی و مذهبی در مدارس هم اعتقاد داشت (Chahryar 2005: 327).

تناقضات فلسفی آبی تا حد زیادی ناشی از شرایط پیچیده و آشفته اجتماعی-اقتصادی آن دوران بود: زمانی که نظام فئودالی-قبیله‌ای در حال فروپاشی بود و شیوه تولید سرمایه‌داری در قزاقستان نفوذ می‌کرد و همچنین بیداری آگاهی ملی قزاق‌ها در جریان بود.

آبای در آثار خود زندگی دشوار دهقانان قزاق، آرزوها و امیدهایشان را بازتاب می‌داد و معتقد بود راه‌هایی آنان از طریق آموزش همگانی و رشد آگاهی اجتماعی ممکن است (Srymbetov 1960: 60-64).

باید گفت آبای جایگاه برجسته‌ای در تاریخ و ادبیات روسیه داشته است. او بنیان‌گذار ادبیات مکتوب ملی قزاقستان است. شعرها و پندهای او نه تنها بر هم‌عصرانش، بلکه بر نسل‌های بعدی نیز تأثیر مثبت گذاشت. یونسکو به پاس خدمات برجسته او به بشریت ۱۹۹۵ را «سال آبای» نام‌گذاری کرد (برای اطلاعات بیشتر نک. Kudaibergenova, 2018: 20-29).

۳. مفهوم خرد و دانش در نصیحت‌نامه آبای

خرد. بر اساس تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده بر روی مجموعه گفتارهای آبای، شش مقوله اصلی درباره مفهوم خرد استخراج شد که هر یک ابعاد گوناگون اندیشه او را نشان می‌دهد. در ادامه، هر یک از این مقوله‌ها با استناد به گفتارهای او تبیین می‌شود.

ماهیت و کارکرد خرد: آبای، خرد را پیش از هر چیز ابزاری برای خیر رساندن به مردم می‌داند (گفتار ۲۸) و هدف اصلی انسان عاقل را تشخیص نیک از بد و به‌کار بستن نیکی در زندگی اجتماعی معرفی می‌کند. او همچنین خرد را وجه تمایز انسان از سایر موجودات می‌داند و با استناد به سخنان سقراط، توانایی ساخت ابزار و آفرینشگری انسان را نشانه برتری او می‌شمارد (گفتار ۲۷). به باور او، خرد باید در مدیریت صحیح ثروت نقش داشته باشد و اگر در اختیار جاهل قرار گیرد، موجب فساد خواهد شد (گفتار ۳۷). افزون بر این، پیوند خرد با دانش از دیدگاه آبای بنیادین است و او دانش را یکی از مفاهیم ذاتی خرد و لازمه تکامل آن می‌داند (گفتار ۳۸).

عوامل تقویت‌کننده خرد: از نگاه آبای، خرد ذاتی نیست بلکه در فرآیند زندگی و از رهگذر کاربرد حواس، تجربه‌های گوناگون و بهره‌گیری از نصایح بزرگان شکل می‌گیرد (گفتار ۱۹). این نگرش، بعد اکتسابی و تربیتی خرد را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که رشد عقلانی وابسته به تعامل فعال انسان با محیط و جامعه است.

عوامل تضعیف‌کننده خرد: آبای به روشنی بر ضرورت پرهیز از عوامل فرساینده خرد تأکید دارد. او لاقیدی، بی‌تفاوتی، شادی بی‌جهت، میل به اندیشه‌های تیره، احساسات مرگ‌آور، و هوس‌های پرخطر را مهم‌ترین موانع شکوفایی خرد می‌شمارد (گفتار ۳۱).

خرد و دانش در نصیحت‌نامه آبی: از بستر هویت قزاق‌ها تا فضای فکری آسیای مرکزی ... □ ۲۵۵

همچنین تنبلی و فارغ‌بالی را خطرناک‌ترین دشمن خرد معرفی می‌کند و حتی آن را دشمن خدا، انسان و ناموس می‌داند (گفتار ۳۲).

ویژگی‌های انسان خردمند: در توصیف صفات انسان خردمند، آبی بر پشتکار، علاقه به کارهای جدی، و هدفمندی تأکید می‌کند (گفتار ۱۵). او می‌گوید خردمند هرگز از رنجی که برای رسیدن به هدف کشیده، پشیمان نمی‌شود و حتی یادآوری آن برایش شادی آور است. خودکنترلی در کامیابی‌ها و فروتنی عقلانی از دیگر ویژگی‌های بارز او است. این صفات در تقابل مستقیم با رفتارهای فرد جاهل قرار می‌گیرند که عمر خود را صرف کارهای بی‌هوده می‌کند و در برابر کامیابی‌ها دچار غرور و غفلت می‌شود.

تقابل خرد با صفات منفی: آبی در آثار خود خرد را در تضاد با صفاتی چون بی‌خردی، غفلت، خودبینی، و مکر و حيله می‌بیند. او خودپسندی را مانع تفکر معرفی کرده و معتقد است انسان خردمند به تحسین دیگران نیازی ندارد، اما مراقب است که نامش به بدی برده نشود (گفتار ۲۱). همچنین یادآور می‌شود که گرچه خرد ابزار شناخت است، می‌تواند منشاء مکر و حيله نیز باشد (گفتار ۱۷).

رابطه خرد با مفاهیم دیگر: یکی از جالب‌ترین ابعاد اندیشه آبی، پیوند سه‌گانه خرد، اراده، و دل است (گفتار ۱۷). خرد توانایی تشخیص خوب و بد را دارد و اراده نیروی محرکه حرکت به سوی دانایی است؛ باین‌حال، دل جایگاه روح و منشأ همه احساسات است. به باور آبی، دل در نهایت بر خرد برتری دارد، زیرا همواره به‌سوی خوبی متمایل است و مانع گرایش خرد به سوی بدی می‌شود.

جدول (۱) جدول کدگذاری گفتارهای آبی درباره خرد در نصیحت‌نامه آبی

ردیف	شماره گفتار	مضمون اصلی	مقوله کلان	کد تحلیلی	یادداشت تحلیلی
۱	۲۸	هدف آفرینش خرد: خیر رساندن به مردم	ماهیت و کارکرد خرد	خرد ابزار خیر عمومی	تأکید بر بعد اجتماعی خرد
۲	۲۸	هدف انسان خردمند: تمایز خوب از بد و نیکی به مردم	ماهیت و کارکرد خرد	خرد تمیزدهنده خیر و شر	نگاه اخلاقی به خرد
۳	۳۱	ترک زایل‌کننده‌های خرد (لاقیدی، شادی بی‌جهت، هوس پرخطر)	عوامل تضعیف‌کننده خرد	موانع رشد عقلانی	خرد نیازمند پرهیز از عوامل فرساینده است.

۴	۱۵	خردمند: علاقه‌مند به کار، عدم پشیمانی از رنج	ویژگی‌های انسان خردمند	پشتکار و معنایافتن در تلاش	خرد با شکبایی و هدف‌مندی همراه است.
۵	۱۵	جاهل: اتلاف وقت، مستی از کامیابی	تقابل خرد با صفات منفی	بی‌خردی و غفلت	استعاره سوارکار برای غفلت جاهلانه
۶	۱۹	خرد ذاتی نیست و با تجربه، حواس و نصایح بزرگان شکل می‌گیرد.	عوامل تقویت‌کننده خرد	اکتسابی بودن خرد	اهمیت تجربه و یادگیری اجتماعی
۷	۳۷	ثروت باید در دست خردمند باشد	ماهیت و کارکرد خرد	خرد و مدیریت ثروت	رابطه اخلاق و اقتصاد
۸	۲۷	سقراط و برتری انسان بر سایر موجودات به واسطه خرد	ماهیت و کارکرد خرد	خرد به‌عنوان تمایز انسانی	خرد عامل آفرینشگری و فناوری
۹	۲۱	خودپسندی در تضاد با خرد	تقابل خرد با صفات منفی	فروتنی عقلانی	خودبینی سد تفکر
۱۰	۳۲	دشمن خرد: تنبلی و فارغ‌بالی	عوامل تضعیف‌کننده خرد	بی‌عملی ضد عقل	دشمن خرد دشمن خدا و انسان
۱۱	۳۸	دانش یکی از مفاهیم خرد؛ تلاش خستگی‌ناپذیر برای خرد	رابطه خرد با مفاهیم دیگر	پیوند خرد و دانش	دانش به‌عنوان تجلی خرد
۱۲	۱۷	خرد قدرت تشخیص خوب و بد دارد.	ماهیت و کارکرد خرد	تشخیص اخلاقی	پیوند خرد با انتخاب‌های ارزشی
۱۳	۱۷	اراده موتور حرکت، دل جایگاه روح و احساسات	رابطه خرد با مفاهیم دیگر	تعامل سه‌گانه خرد، اراده و دل	دل نسبت به خرد برتری اخلاقی دارد.
۱۴	۱۷	خطر مکر و حيله از خرد	تقابل خرد با صفات منفی	دوگانگی اخلاقی خرد	هشدار نسبت به سویه منفی خرد

منبع: تدوین نویسنده

با توجه به آنچه در بالا شرح داده شد آبی خرد را مفهومی چندوجهی می‌بیند که علاوه بر بُعد اخلاقی، دارای کارکردهای اجتماعی، معرفتی و عملی نیز هست. او هم بر راه‌های پرورش خرد تأکید دارد و هم به روشنی موانع رشد عقلانی را برمی‌شمرد. نگاه او به خرد، نگاهی پویا در ارتباط تنگاتنگ با تجربه، اخلاق، و مسئولیت اجتماعی است.

دانش. یافته‌های حاصل از تحلیل کیفی هدایت‌شده گفتارهای آبی نشان می‌دهد که «دانش» در اندیشه او مفهومی چندبعدی است که ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را هم‌زمان در بر می‌گیرد. مقوله‌های اصلی به‌دست‌آمده از داده‌ها بیانگر آن است که آبی یادگیری را فرایندی هدفمند و ارزش‌محور می‌داند.

از منظر انگیزه برای یادگیری، او معتقد است آغاز مسیر آموزش به اجبار بیرونی نیاز دارد، زیرا کودک ذاتاً تمایل اولیه به یادگیری ندارد. با این حال، این اجبار در گذر زمان به علاقه و عطش درونی تبدیل می‌شود، به‌ویژه زمانی که یادگیرنده با حفظ و یادسپاری اولیه، میل به کاوش علمی پیدا می‌کند (گفتار ۳۸).

دربارۀ هدف از دانش آموزی، آبی بر خلوص نیت در جستجوی علم تأکید می‌کند. به باور او، دانش باید برای کشف حقیقت و رسیدن به آرامش معنوی کسب شود، نه برای سودجویی یا کسب منافع مادی زیرا سودجویی ارزش ذاتی علم را مخدوش می‌کند (گفتار ۳۲ و ۳۸).

کارکرد اجتماعی دانش در اندیشه او نیز برجسته است. آبی دانش را ابزاری برای تحقق عدالت و خدمت به مردم می‌بیند و توصیه می‌کند سرمایه و ثروت در مسیر آموزش هزینه شود. در همین راستا، او شرایط توسعه دانش را نیز بررسی کرده و فقر و تنگدستی را مهم‌ترین موانع یادگیری می‌داند (گفتار ۳۸).

از نظر آبی، کارکرد بین‌فرهنگی دانش، به‌ویژه در یادگیری زبان‌های دیگر، کلید پیشرفت ملت‌ها است. او معتقد است شناخت زبان و فرهنگ سایر ملل باعث گسترش افق دید و ارتقاء سطح تمدن می‌شود (گفتار ۲۵).

در بُعد اخلاق یادگیری، خاطر نشان می‌کند که نباید دانش را برای خودنمایی یا بحث‌های بیهوده آموخت، زیرا چنین رویکردی به‌جای تعالی انسانی، حسد و رقابت منفی را پرورش می‌دهد (گفتار ۳۸).

از سوی دیگر، در ویژگی‌های مربی و رهبر دینی، آبی ایمان راسخ و عطش علمی را دو ویژگی اساسی می‌داند و بر ضرورت یادگیری مادام‌العمر برای رهبران فکری و دینی تأکید می‌کند (گفتار ۱۲).

در نهایت، او بر ضرورت دانش برای انسانیت تأکید کرده و بی‌دانشی را معادل سقوط به مرتبه حیوانی می‌داند. عواملی همچون بی‌میلی به تحمل زحمت و نسبت‌دادن مشکلات به تقدیر الهی را از مهم‌ترین بازدارنده‌های یادگیری معرفی می‌کند (گفتار ۲۵ و ۳۹).

جدول ۲) کدگذاری گفتارهای آباب درباره دانش

ردیف	شماره گفتار	مضمون اصلی	مقوله کلان	کد تحلیلی	یادداشت تحلیلی
۱	۳۸	یادگیری با الزام اولیه و ایجاد علاقه تدریجی	فرایند یادگیری	اجبار اولیه در یادگیری	فرایند رشد علاقه به دانش تدریجی و نیازمند مداخله بیرونی است.
۲	۳۸ و ۳۲	دانش برای کشف حقیقت، نه سودجویی	فلسفه هدف دانش	دانش به مثابه کشف حقیقت	پیوند دانش با حقیقت و آرامش در برابر گرایش مادی‌گرایانه به علم.
۳	۳۸	دانش در خدمت عدالت و نیکی به مردم	کارکرد اجتماعی دانش	دانش به مثابه ابزار خیر جمعی	نگاه اخلاقی به کاربرد دانش در خدمت جامعه
۴	۲۵	یادگیری زبان و فرهنگ ملل دیگر برای پیشرفت	ابزار توسعه فرهنگی	زبان‌آموزی و بینا فرهنگی	تأکید بر نقش دانش زبانی به‌عنوان محرک پیشرفت ملی
۵	۲۵	وظیفه والدین در ایجاد زمینه آموزش	نقش خانواده در آموزش	مسئولیت والدین	دانش‌آموزی فرایندی وابسته به خانواده است.
۶	۳۲	به‌خاطر سپردن دانش و پرهیز از جدل بیهوده	شیوه صحیح یادگیری	یادگیری هدفمند	هشدار به استفاده ابزاری و خودنمایانه از دانش
۷	۱۲	رهبرانی دینی راسخ در عقیده و حریص در دانش	اخلاق یاددهندگان	پیشوای عالم و بالایمان	دانش و ایمان مکمل هم در رهبری
۸	۳۹	بی‌دانشی مبدل انسان به حیوان	ضرورت بنیادین دانش	دانش شرط انسانیت	پیوند دانش با ذات انسانی و قدرت اندیشیدن
۹	۳۹ و ۲۵	فقر و بی‌زحمتی مانع یادگیری	موانع یادگیری	مانع‌گرهای دانش	نقش شرایط اقتصادی و روحیه سخت‌کوشی در دسترسی به دانش

منبع: تدوین نویسنده

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که اندیشه آبی درباره دانش بر سه محور بنیادین استوار است: «خلوص نیت در کسب دانش»، «کارکرد اجتماعی و فرهنگی دانش» و «ضرورت تلاش و پشتکار برای دستیابی به علم». این سه محور چارچوبی منسجم برای فهم فلسفه آموزشی او فراهم می‌آورد و می‌تواند مبنای تحلیل تطبیقی با سایر سنت‌های فکری منطقه باشد.

۴. تحلیل هرمنوتیکی خرد و دانش در اندیشه آبی

اندیشه‌های آبی درباره مفاهیم خرد و دانش، فراتر از توصیه‌های اخلاق فردی، حامل لایه‌های متعددی از معنا است که تنها در پرتو رویکرد هرمنوتیکی و با توجه به بستر تاریخی و فرهنگی آسیای مرکزی در قرن نوزدهم قابل درک است. در سطح نخست و فردی، خرد ابزاری برای تشخیص نیک و بد و سامان دادن به حیات اخلاقی انسان است. آبی خرد را عامل اصلی تمایز انسان از سایر موجودات دانسته و هدف از آفرینش آن را خیر رساندن به خلق معرفی می‌کند (گفتار ۲۸). دانش نیز در این سطح صرفاً ابزار سودجویی یا خودنمایی نیست، بلکه سلوکی به سوی حقیقت و آرامش درونی است. این سطح از تفسیر نشان می‌دهد که آبی در پی پرورش «فرد اخلاقی» است؛ فردی که با خودکاو، تجربه و یادگیری، فضیلت را درونی می‌سازد. در سطح دوم و اجتماعی-فرهنگی، خرد و دانش در نصیحت‌نامه به سرمایه‌های فرهنگی ملت قزاق بدل می‌شوند. آبی دشمن خرد را نه تنها ضعف‌های فردی، بلکه عادات مخرب اجتماعی مانند تنبلی، لاقیدی و خودبینی معرفی می‌کند (گفتار ۳۱، ۳۲). در همین چارچوب، دانش از دیدگاه او عاملی برای عدالت، اصلاح اجتماعی و همبستگی فرهنگی است. سرمایه و ثروت باید در خدمت آموزش قرار گیرد و یادگیری زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر کلید توسعه و ارتقای تمدن معرفی می‌شود (گفتار ۲۵، ۳۸). در این معنا، دانش نقشی فراتر از رشد فردی یافته و به ابزار بیداری اجتماعی و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی بدل می‌شود.

در افق هرمنوتیکی گادامر (۱۹۷۵)، فهم متن بدون درک «افق تاریخی» ناقص است؛ بنابراین در سطح سوم و تاریخی لایه عمیق‌تری آشکار است که نشان می‌دهد آموزه‌های آبی پاسخی به بحران هویت مردم قزاق در عصر استعمار روسیه است. تأکید بر خرد به منزله مقاومت فرهنگی در برابر سلطه بیگانه و تأکید بر دانش-به‌ویژه یادگیری زبان و علوم روسی-راهی برای بازسازی هویت جمعی و غلبه بر عقب‌ماندگی تاریخی تلقی می‌شود. در این

سطح، خرد و دانش حامل معنایی پنهان و سیاسی‌اند: خرد به معنای آگاهی انتقادی و دانش به‌مثابه ابزار بقا و پیشرفت ملی.

ریکور بر «مازادِ معنای متن»^۱ تأکید می‌کند (۱۹۷۶ و ۱۹۹۱). اندیشهٔ آبی دربارهٔ خرد و دانش فقط محدود به اخلاق و جامعه نیست؛ بلکه حامل یک دغدغهٔ فلسفی-وجودی است: از این نظر، خرد در اندیشهٔ آبی، جایگاهی دوگانه می‌یابد که نشانهٔ نگاه دیالکتیکی او به عقل است. او می‌پذیرد که خرد می‌تواند سرچشمه خیر یا شر باشد (گفتار ۱۷)؛ از این‌رو دل را نیرویی می‌داند که با گرایش طبیعی خود به نیکی، مانع انحراف خرد می‌شود. این سه‌گانهٔ عقل، اراده و دل تصویری پیچیده از هستی انسانی در آثار او می‌سازد که یادآور فلسفهٔ اخلاق و سنت‌های عرفانی اسلامی است. دانش نیز در این سطح راهی برای یافتن معنای زندگی و تعالی وجودی انسان معرفی می‌شود.

بر این اساس، تحلیل هرمنوتیکی نشان می‌دهد که خرد و دانش در نصیحت‌نامهٔ آبی مفاهیمی چندلایه‌اند: از اخلاق فردی تا اصلاح اجتماعی، از مقاومت فرهنگی تا تأملات فلسفی-وجودی. معنای این مفاهیم تنها در پرتوی افق تاریخی و فرهنگی آسیای مرکزی آشکار می‌شود و به همین دلیل تفسیر هرمنوتیکی ابزاری کارآمد برای کشف لایه‌های پنهان متن به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

اندیشه‌های اخلاقی و معرفت‌شناختی آبی نشان می‌دهد که او فراتر از یک شاعر یا مصلح اجتماعی، فیلسوفی است که با نگاهی تلفیقی در پی ساختن انسانی متعهد و آگاه است. در اندیشهٔ او، خرد هدفی متعالی دارد: رساندن خیر به خلق؛ از این‌رو باید آن را از آفت‌هایی چون بی‌تفاوتی، لاقیدی، شادی‌های بی‌دلیل و هوس‌رانی محافظت کرد. دانش نیز نه ابزاری برای سودجویی، بلکه سلوکی درونی است که با تجربه، تأمل و اخلاق گره خورده است. خرد در منظومهٔ فکری او جایگاهی وسیع‌تر از دانش دارد؛ چراکه دانش به پرورش خرد یاری می‌رساند و می‌تواند خردمندی را تقویت کند. بدین‌سان، او با ترسیم نسبت میان این مفاهیم، الگویی معنایی از «انسان خردمند» ارائه می‌کند که در برابر نیروهای فرساینده‌ای چون جهل، خودبینی، تنبلی و فقدان معنویت می‌ایستد.

^۱. surplus of meaning

با این حال، تفسیر هرمنوتیکی نصیحت‌نامه نشان می‌دهد که آموزه‌های آبی تنها به اخلاق فردی محدود نیستند. در سطح اجتماعی، خرد و دانش به سرمایه‌های فرهنگی بدل می‌شوند که مأموریت آن‌ها اصلاح جامعه و تحقق عدالت است. نقد او بر خودپسندی، جاه‌طلبی و تحصیل برای خودنمایی، نقدی عمیق به نظام‌های دانشی فاقد اخلاق است. در سطح تاریخی نیز اندیشه او پاسخی به بحران هویت مردم قزاق در قرن نوزدهم بود؛ زمانی که دانش به‌ویژه در قالب زبان و علوم روسی، ابزاری برای پیشرفت و مقاومت فرهنگی به شمار می‌آمد. به این ترتیب، خرد در آثار آبی ابزاری برای آگاهی انتقادی و دانش وسیله‌ای برای بازسازی هویت جمعی می‌شود.

از این منظر، نصیحت‌نامهٔ آبی متنی چندلایه است که در آن اخلاق فردی، اصلاح اجتماعی و مقاومت فرهنگی درهم‌تنیده‌اند. او با پیوند دادن خرد، اراده و دل از یک‌سو، و دانش، حقیقت‌جویی و عدالت از سوی دیگر، بنیانی نظری برای شکل‌گیری «انسان متعالی» ارائه می‌دهد. چنین انسانی نه تنها در جستجوی خیر فردی است، بلکه بار مسئولیت اجتماعی و تاریخی خویش را نیز بر دوش دارد؛ بنابراین، آموزه‌های آبی را می‌توان پروژه‌ای فرهنگی-فلسفی دانست که هم بر خودسازی فردی و هم بر بیداری جمعی و توسعهٔ اجتماعی تأکید دارد.

از منظر هویتی، نصیحت‌نامهٔ آبی صرفاً یک متن اخلاقی-فلسفی نیست، بلکه ابزاری برای بازسازی عناصر بنیادین هویتی است. او با نگارش نصیحت‌نامه مفاهیم «خرد» و «دانش» را در پاسخ به بحران هویت قزاق‌ها بازتعریف کرد. اما دیدگاه‌هایش فراتر از مرزهای قزاقستان طنین‌انداز شد و در سراسر آسیای مرکزی بازتاب یافت. اندیشه‌های بزرگ او دربارهٔ انسان، جامعه، روشنگری و ارزش‌های اخلاقی در قرن بیست‌ویکم معنا دارد و هنوز منبع الهام برای گفتگوی بین‌المللی و تعامل فرهنگی است. به علاوه، آثار او به ارتقای تفاهم متقابل میان ملل و غنای فرهنگ معنوی کمک کرده است. آبی مسائل قزاق‌ها را فراتر می‌دید و آن‌ها را مسائلی برای کل بشریت تلقی می‌کرد. به عقیدهٔ او، «مردم ترک‌تبار آثار او را به زبان خود می‌خوانند و گرامی می‌دارند. به بیان دیگر، مفاهیم فرامنطقه‌ای و «ارزش‌های جهانی» در آثار او موج می‌زند و ترجمه‌شدن اشعارش به زبان‌های دیگر آسیای مرکزی (مانند قرقیزی، ترکی، تاتاری، اویغوری و غیره)، گواه این تأثیرگذاری است. این موضوع نشان می‌دهد آموزه‌های او در میان اقوام آسیای مرکزی فهمیده و ارج نهاده شده و در هویت مشترک

فرهنگی آن‌ها بازتاب یافته است؛ بنابراین، پیام‌های اخلاقی‌اش فقط ویژه قزاق‌ها نیست، بلکه به نوعی در همه جوامع منطقه مؤثر افتاده است.

در بُعد دینی، او با نقد برداشت‌های سطحی و تأکید بر عقل و اخلاق، اسلام را از رکود فکری رهانید و آن را به سرچشمه‌ای برای بیداری معنوی و اجتماعی تبدیل کرد. دوم، در بُعد زبانی و فرهنگی، با ترجمه آثار روسی و اروپایی به زبان قزاقی و تأکید بر آموزش به زبان مادری، به حفظ و غنای زبان و ادبیات قزاقی یاری رساند. سوم، در بُعد اخلاق اجتماعی، او با برجسته کردن خرد، دانش، و مسئولیت فردی، الگویی از «انسان متعهد و خردمند» ارائه داد که می‌توانست جامعه قزاق را از پراکندگی و ضعف به سوی اتحاد و خودآگاهی جمعی سوق دهد. این سه بُعد نشان می‌دهد که آموزه‌های آبی نه فقط راهکاری برای خودسازی فردی، بلکه پروژه‌ای فرهنگی-ملی برای پاسداری و بازآفرینی هویت قزاق‌ها در عصر استعمار روسیه بود.

منابع و مأخذ

فارسی

- آتامازور، کستنکو ۱۳۸۳، شرح آسیای مرکزی و انتشار سویلیزاسیون روسی در آن، ترجمه ماردوس داوود. بارتولد، ویلیام ۱۳۷۶، تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس.
- پیرمردیان، مصطفی، حمید صادقی و وحید سعیدی ۱۳۹۰، «نگرشی بر تحولات آسیای مرکزی در قرن نوزدهم»، پیام بهارستان، ۲۵، س ۴، ش ۱۴، زمستان، صص ۱۷۲۶-۱۷۴۸.
- ثقفی، محمد، ۱۳۷۱، «ترکستان در بستر تاریخ»، مجله مکتب اسلام، سال ۳۲، شماره ۸.
- سارلی، محمد ۱۳۶۴، نگرشی بر تحولات اجتماعی و فرهنگی ترکستان در قرن نوزدهم، تهران: امیرکبیر.
- شکوری‌ها، شریف و رستم ۱۳۸۶، آسیای مرکزی: درآمدی بر روحيات مردم، ترجمه محمدجان شکوری.
- شمسا، برات ۱۳۸۸، درآمدی بر جنبش‌های آسیای مرکزی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- قونانبايف، آبی ۱۳۹۸، نصیحت‌نامه، ترجمه صفرعبدالله به فارسی، ویراستار سُهیلایا یوسفی، تهران: انتشارات خردگان.
- گلی زواره، غلامرضا ۱۴۰۴، «نگاهی به آسیای مرکزی»، ماهنامه پاسدار اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی قم https://journals.dte.ir/article_58183.html

لاتین

- Abai. (1961). **Complete Collection of Works in One Volume**. Kazakh State Fiction Publishing House. Almaty.
- Auevov, M. (1997). It is an obligation to know Abai for a thoughtful youngster (**Biography of Ibrahim Kunanbaiuly**). Sanat. Almaty.
- Barthold, V. V. (1968), "Twelve Lectures on the History of the Turks of Central Asia", in **Sochineniya V**, Moscow: Nauka.

- Batayeva, Z. (2020). "The riddle of Abai | 3. Who was Abai Qunanbai?". , July 15, Retrieved from <http://zaurebatayeva.blog/post/kazakh-riddle-who-was-abai-qunanbai>
- Braginsky, I.S. (1977), **Issledovaniya po tadzhikskoi kul'ture**. Moscow.
- Caffee, N. (2018A). "Introduction: Abai Qunanbaiuli and Kazakh culture: From Abai Zholy to #okkypaiabai". **Journal of Eurasian Studies**, 9(1), 1–2.
- Caffee, N. (2018B). How Tatiana's voice rang across the steppe: Russian literature in the life and legend of Abai. **Journal of Eurasian Studies**, 9(1), 12–19. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2017.12.002>
- Chahryar, A. (2005), **History of civilizations of Central Asia**. Volume 6. Towards the contemporary period: from the mid-nineteenth to the end of the twentieth century. Paris.
- Chahryar, A., Irfan Habib (2003). **History of civilizations of Central Asia**. Volume 5. Development in contrast: from the sixteenth to the mid-nineteenth century. Paris.
- Challyjeva, A. (2008). **Everyday life of Central Asia in the second part of the XIX-th century**, [Každodenní život ve Střední Asii ve 2. polovině XIX. století] [Unpublished master's thesis, Charles University in Prague, Faculty of Arts, Institute of Middle East and Africa]. Prague, Czech Republic.
- Constitution of Kazakhstan**. Almaty. 1995. Вернуться к статье.
- Daurenbekova L. N., S. K. Imanberdiyeva, B. D. Dautova, G. S. Rainbekova & Toktymanova G. M. (2020), "Translation and interpretation of Abay's political – social Lyrics into Turkic languages", **Opción**, Año 36, Especial No.26, pp. 1850-1868; 1849-1868 ISSN 1012-1587/ISSNe: 2477-9385
- Encyclopedia of Mukhtar Auezov**. (2011). Atamura. Almaty. Ayan, E. (2021). "Abai and his family", in *The Wisdom of the Great Steppe: Abai Kunanbaiuly*. edited by Suat Beylur Omirbek Hanayı, (In Commemoration of Abai on the 175th Anniversary of His Birth). 1st Edition: December, Almaty. pp. 39-57.
- Gadamer, H.-G. (1975). **Truth and method** (J. Weinsheimer & D. G. Marshall, Trans.). Continuum. (Original work published 1960)
- Gadamer, H.-G. (1976). "The historicity of understanding". In D. E. Linge (Ed.), **Philosophical hermeneutics** (pp. 117-133). University of California Press.
- Holdworth, M. (1959), **Turkestan in the nineteenth century: a brief history of the Khanates of Bukhara, Kokand and Khiva**. London.
- Isin, A. (2021). "Abai's historical view", in *The Wisdom of the Great Steppe: Abai Kunanbaiuly*. edited by Suat Beylur Omirbek Hanayı, (In **Commemoration of Abai on the 175th Anniversary of His Birth**). 1st Edition: December, Almaty, pp. 88-101.
- Jurtbay, T. (2021). **Biography of Abai: a life path**, "Strewn with thorns", in *The Wisdom of the Great Steppe: Abai Kunanbaiuly*. edited by Suat Beylur Omirbek Hanayı, (In Commemoration of Abai on the 175th Anniversary of His Birth). 1st Edition: December, Almaty. Pp. 13-38.
- Kamaladdini, S. (2015). "Abai and Firdowsi. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 51, 147–151. <https://doi.org/10.18052/www.scipress.com/ILSHS.51.147>
- Kozhambekov, D. R. (2020). **Influence of religious and secular education in the formation of the Republic of Kazakhstan as a secular state in the 19th century**. Правовая культура в современном обществе, (2020), 585–590.

- Kudaibergenova, D. T. (2018). "Misunderstanding Abai and the legacy of the canon: Neponyatnii and Neponyatii Abai in contemporary Kazakhstan". **Journal of Eurasian Studies**, 9(1), 20–29. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2017.12.007>
- Maşanov, A. (1994). **Äl-Farabi jäne Abai**. Kazakhstan.
- Qıdıräli, D. (2020). **Abai jäne Marjani dünüyetanı**. Egemen Kazakhstan, Retrieved: 19. Aqpan.
- Ricoeur, P. (1976). **Interpretation theory: Discourse and the surplus of meaning**. Texas Christian University Press.
- Ricoeur, P. (1991). **From text to action: Essays in hermeneutics II** (K. Blamey & J. B. Thompson, Trans.). Northwestern University Press.
- Schamiloglu, Uli 2021, "abai and intellectual movements of the 19th–20th centuries", in **The Wisdom of the Great Steppe –Abai Kunanbaiuly**, Chapter III, PP. 59-73.
- Shakhovskiy, D. (1902), **Universal education in Russia**. M., Вернуться к статье.
- Shodikulova, A. Z. (2025). **The work of Abay Kunanbayev during his life**. Journal of International Scientific Research, 2(4), 415–418. <https://spaceknowladge.com>
- Silchenko, M. S. 1957, **A Biography of Abai's Work**, Alma-Ata, Academy of Sciences of the Kazakh SSR.
- Söylemez, O. (2002). **Kazakhstan-Culture and Civilisation**. TDV Encyclopedia of Islam. V. (XXV). Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları. Ankara.
- Srymbetov, S. (1960). "Abai Kunanbayev – Kazakh". **Soviet Education**, 2(4), 60–64. <https://doi.org/10.2753/RES1060-9393020460>
- Sultangalyeva G. S. (2001), **Jdadidizm I vzaymodeystvye tyurkoyazychnih narodov Uralo-Povoljya**, Kazakhstana (konets – nachalo XX v). // Vestnik KazGU im. Al-Farabyi. Ser. Istor. № 3(22). Вернуться к статье.
- Абайдың қара сөздері**, Абай-Ақпарат: <https://abai.kz/post/6>.